

خیال‌پردازی و عجایب‌نگاری در آثار سلطان محمد و پیترو بروجل

مهدی عاطفی

دانشجوی کارشناسی ارشد نقاشی
موسسه آموزش عالی سوره

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

چکیده

در این مقاله سعی شده است که ابتدا به معنی و مفهوم عجایب‌پردازی پرداخته شود و سپس با توجه به این مفهوم به بررسی و تجزیه تحلیل موضوعی و مفهومی نقاشیهای دو هنرمند بزرگ از دو عالم متفاوت یعنی سلطان محمد تبریزی از مشرق زمین و پیترو بروجل از غرب توجه شود. این دو نقاش بزرگ به لحاظ زمانی هم عصر هستند و هر دو تحت تأثیر اندیشه‌های تخیلی هستند که در نهایت در آثار ایشان بروز پیدا کرده است و منجر به شکل‌گیری صور عجیب و غریب (عجایب‌پردازانه) شده است. مقایسه آثار آنها به لحاظ عجایب‌پردازی و تخیل‌گرایی و یافتن وجوه اشتراک و افتراق آثارشان می‌تواند دارای اهمیت باشد و نشان دهندهی این موضوع است که تخیل هنرمندان نقاش می‌تواند از حصار زمانی و مکانی فراتر رود و آنها را به جایگاهی رهنمون کند که بدون اینکه از آثار همدیگر اطلاع داشته باشند کارهایشان دارای اشتراکات قابل توجهی شود.

واژگان کلیدی

عجایب‌نگاری (گرتسک)^(۱)، خیال‌پردازی

از موضوعات مورد علاقه نزد برخی از هنرمندان در طول تاریخ هنر، خیال‌پردازی، عجایب نگاری و استفاده از تصورات عجیب و غریب در آثارشان بوده است. عجایب‌پردازی از آنجا که نیاز به قوه تخیل بسیار خلاق و مبتکر دارد، کمتر هنرمندی توانسته است تمام و کمال از عهده آن برآید. عجایب‌پردازی ترجمه‌ایست فارسی که در مقابل کلمه‌های لاتین، به نام «گرتسک» آمده است. پژوهشگران هنر چند نوع گرتسک را دسته‌بندی کرده‌اند و معتقدند به‌طور معمول این چند دسته در عجایب‌پردازی قابل شناسایی هستند، البته گهگاه این دسته‌ها ممکن است با هم تلفیق شوند یا در حوزه‌های یکدیگر وارد شوند. به‌طور خلاصه نمونه‌های زیر از انواع گروتسک است:

۱- **گرتسک ناخواسته:** در این گونه هنرمند، خود اطلاع نداشته که اثر او دارای جنبه‌های عجایب‌نگارانه است، ولی در ادوار زمانی بعدی، این زمینه در کارهایش شناسایی شده است. به عنوان مثال در بسیاری از آثار باستانی این جنبه قابل پی‌گیری است. گارگویل‌ها^(۳)، مجسمه‌هایی زشت و بد لعاب بودند که بر سر در کلیساهای قدیمی، به خصوص کلیساهای گوتیک، برای

دفع ارواح شرور نصب می‌شدند، از این دست هستند.

۲- **گرتسک کاریکاتوری:** در این نوع از گرتسک مشاهده می‌شود که جنبه‌های خنده آور و طنز بر جنبه‌های ترس و اشمئزاز غلبه پیدا می‌کند؛ مانند برخی از آثار بروگل، دومیه^(۴) و...

۳- **گرتسک خیال‌پردازانه:** در گرتسک خیال‌پردازانه یا فانتزی، دنیایی ماوراء طبیعی مد نظر است. در این گونه ممکن است اثری آفریده شود که از یک طرف با دنیای واقعی و از طرف دیگر با دنیایی غیر واقعی و غیر زمینی در ارتباط باشد؛ به عنوان مثال بسیاری از آثار نگارگری ایرانی از این دست هستند، چرا که نگارگر ایرانی دنیایی شاعرانه و خیال‌انگیز را به تصویر کشیده است که گهگاه با دنیای واقعی پیوند می‌خورد.

۴- **گرتسک ناب:** گرتسک ناب دقیقاً بر اساس تعاریف مشخص اجتماعی قابل بررسی است. در این نوع می‌توان مشخصه‌های اجتماعی را باز شناخت و مشاهده کرد و در کل هنرمند اجتماع را دستمایه قرار می‌دهد؛ مثلاً بعضی از نقاشی‌ها و طراحی‌های پیترو بروگل و فرانسیسکو گویا^(۵) دقیقاً ویژگی‌های اجتماعی جامعه خود را می‌نمایاند.



۱. معراجنامه، سلطان محمد، جزئی از تصویر



۲. سقوط فرشتگان یاغی، بروگل، جزئی از تصویر

۵- **سورئالیسم گرتسک:** می‌توان این‌گونه از گرتسک را از انواع گرتسک خیالپردازانه به حساب آورد، با توجه به اینکه در سورئالیسم گرتسک دنیایی غیرواقعی مشاهده می‌شود، که مشخصه‌های این دنیای غیرواقعی، قابل شناسایی است؛ برای نمونه می‌توان به برخی از کارهای هیرونیموس بوش^(۵) و پیتر بروگل اشاره کرد. مواردی که ذکر شد، نمونه‌هایی از انواع عجایب‌پردازی بود که به صورت تفکیک شده مختصراً به آنها اشاره شد.

دو هنرمندی که در این مقاله به لحاظ رویکرد گرتسک در حوزه تجسمی مورد بررسی و مقایسه قرار می‌گیرند عبارت هستند از سلطان محمد تبریزی و پیتر بروگل، هنرمندی از شرق و هنرمندی از غرب. شاید در نگاه اول بررسی و مقایسه این دو نقاش یکی در شرق و دیگری در غرب کاری عبث باشد چرا که فاصله مکانی بسیار زیاد این دو به علاوه دیدگاه‌ها و طرز فکر متفاوت، دین و ایدئولوژی گوناگون، شیوه کاری و تکنیک جداگانه، از افتراقات این دو است اما چیزی که شباهت شگفت‌انگیز را سبب شده دیدگاه عجایب‌پردازانه و خیال‌انگار آنها است.

هرچند به لحاظ تقسیم‌بندی که ذکر آن رفت این دو نقاش در حوزه‌ها مختلف گروتسکی جای می‌گیرند اما همانطور که گفته شد گهگاه به حوزه‌های همدیگر سرک می‌کشند و همین امر موجب پدیدار شدن شباهت شورانگیز این دو هنرمند شده است.

سلطان محمد بنا بر تقسیم‌بندی فوق در حوزه گروتسک خیال‌پردازانه جای می‌گیرد و بروگل در حوزه گروتسک ناب، اما این تقسیم‌بندی نسبی است و نمی‌تواند تمام و کمال باشد چرا که هر دو هنرمند پرکار و خلاق بوده‌اند و هر دو به دنبال تخیل قدرتمند خود کارهای متنوعی می‌آفریدند.

به طور خلاصه شباهت‌هایی را می‌توان در آثار این دو هنرمند که به لحاظ زمانی هم‌عصر هستند دید. عجایب‌پرداز، به وجود آوردن مناظر خیالی، تلفیق خیال و واقعیت، استفاده از موجودات خیالی مشابه مانند دیوان و فرشتگان و دید فکاهه و طنز برشمرد. در ادامه به بررسی این طرز تفکر در آثار هر دو هنرمند پرداخته می‌شود. ابتدا جداگانه گروتسک هر دو را بررسی می‌کنیم سپس به یک جمع‌بندی براساس این دیدگاه می‌پردازیم.

خیال‌پردازی و عجایب‌نگاری در آثار سلطان محمد

«سلطان محمد، نگارگر ایرانی فعال در قرن دهم ه.ق (نیمه نخست سده شانزدهم میلادی) از برجسته‌ترین استادان بنیانگذار مکتب دوم تبریز به شمار می‌آید، سلطان محمد با بهره‌گیری از دستاوردهای کارگاهی درباری ترکمانان و تیموریان به سبک شخصی، ابتکاری و شاعرانه رسید. او از لحاظ قدرت تخیل و مهارت در ترکیب‌بندی‌های بفرنج، تجسم حالت‌های متنوع، هماهنگی جسورانه رنگ‌ها و ریزه‌کاری‌های سنجیده در میان سایر استادان تبریز یگانه بود. اسلوب خاصی را در باز‌نمایی کوهها به کار می‌برد، او گاه صخره‌ها را به صورت آدمیان و حیوانات می‌نمود.» (پاکباز، ۱۳۸۵، صفحه ۳۰۹-۳۰۸)

«در باره زندگی‌نامه سلطان محمد مصور تبریزی اطلاعات بسیار کم و اندک است. معلوم نیست در چه زمانی به دنیا آمده اما آنچه روشن است زادگاه او تبریز بوده است. سلطان محمد بهره‌مند از سنت تصویر و تحریر دوره قراقویونلوها و آق قویونلوها در تبریز بود. چنین به نظر می‌رسد که سلطان محمد مراحل نخستین زندگی هنری خود را در دربار سلطان یعقوب آق قویونلو می‌گذراند و در کنار شیخی یعقوبی، درویش محمد و استادان دیگر در کارگاه دربار تبریز مشغول کار می‌شود. هنگامی که شاه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۶ ه.ق تبریز را از دست آق قویونلوها می‌گیرد، موارث هنری آنها و از جمله کارگاه هنری کتابخانه سلطنتی را فراچنگ می‌آورد و سلطان محمد هم که در این کارگاه کار می‌کرده در زمره هنرمندان دربار شاه اسماعیل در می‌آید و چون در مرحله پختگی هنر خود بوده، از قرار معلوم در صدر کارگاه هنری شاه اسماعیل قرار می‌گیرد.» (اژند، ۱۳۸۳، همایش سلطان محمد)

سلطان محمد در زمینه عجایب‌پردازی از هنرمند پیشین خود، محمد سیاه قلم تأثیر گرفته بود. «محمد سیاه قلم (نگارگر، طنزنگار و مذهب ایرانی حدود ۱۴۴۶م/۸۵۰ ق، ۱۵۰۷م/۹۱۳ ق) به سبب قدرت تخیل و تیزبینی اجتماعی و مهارت در ترسیم صور عجایب، یکی از هنرمندان استثنایی در تاریخ نقاشی ایران به شمار می‌آید. او به منظور انتقاد اجتماعی، روش طنزنگاری آمیخته با گروتسک را برگزید. سلطان



۳. معراجنامه، سلطان محمد، خمسه نظامی، کتابخانه بریتانیا، لندن

اکنون بپردازیم به تجزیه و تحلیل چند نقاشی از سلطان محمد که وجه عجایب‌پردازی در آنها وجود دارد، البته باید خاطر نشان شود که در تمامی آثار سلطان

محمد از پیکرهای دیوان، جانوران درنده و افسانه‌ای و نقشمایه‌های گیاهی و پرندگان او بسیار مایه گرفت.» (پاکباز، ۱۳۸۷، صفحه ۵۲۰)

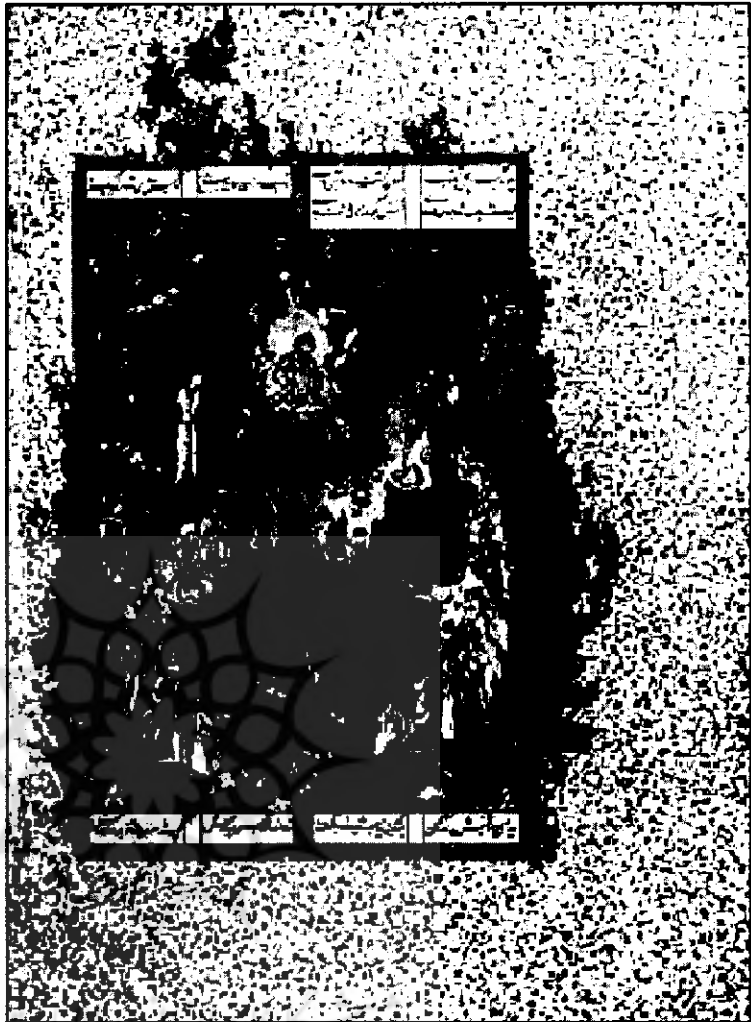
ذوق سرشار و خدادادی سلطان محمد حکایت می‌کند». (آزند، ۱۳۸۳، همایش سلطان محمد)

در این نگاره نهایت ذوق خیال پردازانه و عجیب و غریب سلطان محمد را می‌بینیم، ترکیب‌بندی پیچان، شخصیت‌سازی فرشتگان فراوان، برآقی^(۶) که پیامبر را بر پشت خود دارد و در نهایت رنگ‌پردازی خیال پردازانه در این اثر نمود پیدا می‌کند.

بر اساس یک اسطوره‌ی ایرانی که در شاهنامه‌ی فردوسی هم آمده است، کیومرث اولین شخص از فرزندان آدم است که به پادشاهی رسید، در قلمرو او صلح و آرامش برای تمام موجودات طبیعی و ماورایی حکمفرما بود. در نگاره‌ی شگفت‌انگیز «بارگاه کیومرث» (تصویر ۴)، کیومرث همراه ملازمین پوستین پوش و حیوانات اطرافش در یک منظر غیرزمینی پر از کوه‌های پر فراز و نشیب و گیاهان پر پشت، شاه‌کاری است که به گفته دوست محمد^(۷) «دل جسورترین نقاشان را به لرزه در می‌آورد و در مقابل آن سر فرود می‌آوردند».

آن را می‌توان زیباترین نگاره موجود در ایران دانست. صخره‌های خیال‌انگیز با چهره‌های بی‌شمار برآمده از پشت آنها حیوانات دوست‌داشتنی و زنده و رنگی غنی که در اینجا با نهایت ظرافت جزییات اجرا شده است. علاوه بر این ترکیب‌بندی جسورانه گرد و مدور که به آثار بعدی وی نیز وارد شده است. هم چنین احساس جوشانی از شوخ طبعی در این اثر دیده می‌شود.

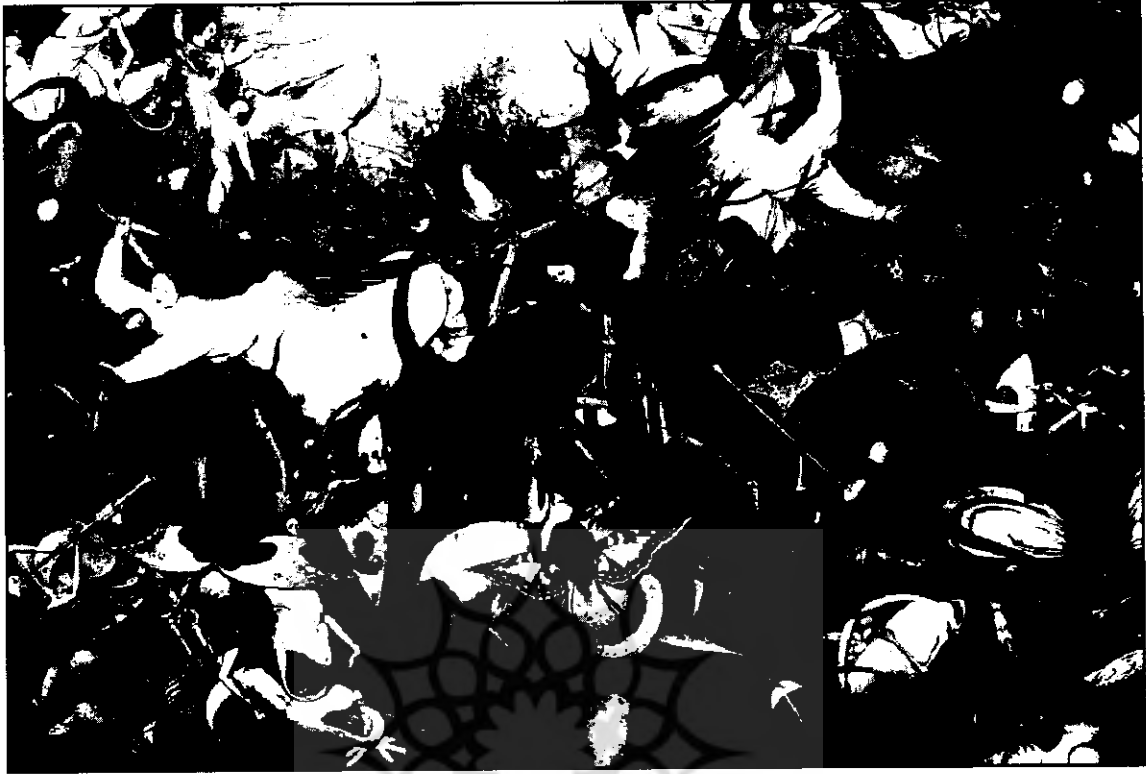
دید شوخ‌طبع و ظریف او در نگاره دیگری در بخش اول شاهنامه طهماسبی با عنوان «شکست دیو سیاه به دست هوشنگ» دیده می‌شود. این نگاره مملو از فکاهه و طنز است. در اینجا می‌توان به گیرایی مسخره‌آمیز توأم با رقت دیو سیاه در پیش زمینه، نشان دادن چنگ و دندان پلنگی که در حال حمله به اوست، پرواز فرشتگان با



۴. بارگاه کیومرث، سلطان محمد، شاهنامه طهماسبی، قرن ۱۰ه.ق، موزه متروپلیتن نیویورک

محمد می‌توان وجوهی عجایب‌نگارانه یافت چرا که مبنای فضاها‌ی آفریده شده به قلم او خیال است و تمام آثار وی در آن دنیای خیالی خلق شده‌اند.

«سلطان محمد در نگاره «معراج پیامبر» (تصویر ۳) که یکی از شاهکارهای نگارگری است، همراه پیامبر اوج می‌گیرد و ماورایی می‌شود، از جهان خاکی دل می‌کند و به ماوراء می‌پیوندد. در این ترکیب‌بندی شعله‌های کشیده از دور سر پیامبر بسان شعله‌های آتشین دل اوست که بر حس‌های دیگرش فزونی گرفته و به فوز اکبر و خیر اکمل رسیده است. در این نگاره همه چیز در نهایت طراوت است: شور و شیرینی فرشتگان، لطف و زیبایی جبریل در جلو خیل فرشتگان، ابرهای در هم تنیده و آسمان لاجوردی پر رمز و راز جملگی از



۶ سقوط فرشتگان یاغی، بروگل، ۱۵۶۲م، بروکسل



۷. ماهی بزرگ ماهیهای کوچک را می بلعد، بروگل، گراور، موزه متروپلیتن، نیویورک

محققان او بین سالهای ۱۵۲۰ و ۱۵۳۰ متولد شده است. گفته می‌شود که «پیترو کوئک وان آلسنت»^(۱۲) استاد و راهنمای او بوده است بین سال‌های ۱۵۵۱ و ۱۵۵۳ بروگل به فرانسه، سوئیس و ایتالیا سفر کرد و مسیره‌های شگفت‌انگیزی را برای خود انتخاب کرد او در این سفر با نقاشی‌های کوچک (مینیاتور) آشنا شد و این شیوه او را قادر ساخت تا تصاویر کوچک با پرسوناژهای متعدد که بعدها از ویژگی‌های کار او شد زبانزد شود. بروگل بزرگترین نقاش عصر خود در کشورهای شمال اروپا و یکی از ارزنده‌ترین نقاشان تمام دوران است، آثار او اغلب مباحث و برداشت‌های متفاوتی را دامن می‌زند» (مولبرگر، ۱۳۸۵، صفحه ۷ تا ۹)

«بروگل به محض بازگشت از ایتالیا با آثار هیرونیموس بوش آشنا شد و تأثیر این استاد شگفت‌انگیز که شدیداً در نقاشی‌های بروگل احساس می‌شود و به احتمال قوی تمام تمایلات بروگل را تحت‌الشعاع قرار داده است. او در مجموع تابلوهای مربوط به ماه‌های سال به روشی بی‌مانند که گاه به طنز هم آلوده می‌شود، فعالیت‌های انسان را در زمانهای مختلف سال مجسم می‌کند. ولی تفسیر بروگل بسیار شخصی است چون گاهی وضع ناپایدار نوع بشر را به طنز می‌گیرد. مفهوم آثارش مانند آثار هیرونیموس بوش گنگ است و گویا از ایجاد رمز و راز در کارهایش لذت می‌برد. البته به دلایلی او بسیاری از تابلوهای خود را که همراه نوشته بودند را از بین برده است»^(۱۳) (گاردنر، ۱۳۸۴، صفحه ۴۹۱ تا ۴۹۳)

نهایت عجایب‌پردازی خیال‌انگیز را در اثر «سقوط فرشتگان یاغی» می‌بینیم (تصویر ۶). سقوط فرشتگان یاغی موضوعی مرسوم در نقاشی بود که به مردم در مورد کبر به مثابه یکی از گناهان هفت‌گانه هشدار می‌داد، نقاشی‌هایی که تفاوت بین فرشتگان مقرب و فرشتگان نافرمان میدل شده به دیوهای عجیب و غریب و زشت را نشان می‌داد. در واقع بیننده را به فروتنی و امید داشت. در این نقاشی از کره نورانی بزرگی که بالای تابلو را به خود اختصاص داده است و نماد بهشت است، فرشتگان مقرب فرود آمده‌اند. برخی از این فرشتگان شیپورهای بلند و قوس‌داری را به صدا در می‌آورند، در حالی که برخی دیگر با دشنه و چماق هیولاها را می‌رانند، میکایل، فرشته مقرب در میانه تابلو به عنوان پیشوا، به طرز شگفت‌آوری بلند و در زرهی درخشنده و شل بلندش ظاهر شده

است. او در حال تار و مار کردن موجودات افسانه‌ای زیر پای خود است. در پایین اثر انبوه دیوها بعضی در هیأت آدمیزاد، اما به شیوه عجیبی ترکیب شده‌اند. یکی از آنها آلتی موسیقی است که دست‌هایی مانند خرچنگ دارد، موجود دیگر مانند کنگر فرنگی است که بالهای پروانه و دستان جنگجو و دمی به رنگ قرمز درخشان دارد.

برداشت‌های عجایب‌نگارانه و تخیل‌آمیز بروگل به‌خصوص در گراورها و چاپهای متعدد او نمایان می‌شود. گراورهایی که بروگل با استفاده از ضرب‌المثل‌های عامیانه و در ظاهر ساده لوحانه نقش کرده است. به عنوان مثال در گراور «ماهی بزرگ ماهی‌های کوچک را می‌بلعد» (تصویر ۷) موضوع از این قرار است که ماهیگیری به فرزندش می‌گوید: «ببین فرزندم من زمان طولانی است که می‌دانم ماهی بزرگ ماهی کوچک را می‌بلعد.» این ضرب‌المثل اشاره‌ایست به صاحبان طماع زمین که دارایی خود را به بهای زجر روستاییانی که روی زمین آنها کار می‌کردند افزایش می‌دادند، در این گراور، بروگل با ذهن تخیل‌پرداز خود صحنه‌ای هیجان‌انگیز را نمایش می‌دهد، ماهی عظیم‌الجثه‌ای که به قدری بزرگ است. ماهیگیران با استفاده از نردبان برای تخلیه گوشت از آن بالا می‌روند، در طرف دیگر ماهیگیر دیگری با



۸. سقوط ایکاروس، بروگل، جزئی از تصویر، بروکسل



۹. بازی کودکان، بروگل، جزئی از تصویر، ۱۵۶۰م، وین

علاوه بر پند و اندرز اخلاقی و وجهه عجایب پردازانه نوعی فکاهه و طنز که از مشخصه‌های ثابت آثار پیتر بروگل است، ملاحظه می‌شود.

«در اثر دیگری با عنوان «سقوط ایکاروس» (تصویر ۸)

استفاده از اره‌ای بسیار بزرگ در حال پاره کردن شکم ماهی است. ماهی‌های کوچکتر از شکم و دهان ماهی گول پیکر بیرون ریخته‌اند و مردمان به طرق مختلف از ماهیان بیرون ریخته بهره‌مند می‌شوند. در این اثر

که یک داستان یونانی است و اروپاییان دوره بروگل با این داستان از طریق کتاب معروفی به نام «دگرگونی» نوشته شاعر رومی اووید^(۱۴) ۴۳ قبل از میلاد با آن آشنا بودند. بنا به نوشته اووید، «دایدالوس» مخترع افسانه‌ای و پدر «ایکاروس» بالهایی از جنس پر و موم برای پرواز ساخت. پدر و پسر با بالهای ساخته شده به سوی آسمان

به پرواز در آمدند و به بالا و بالاتر اوج گرفتند. دایدالوس به ایکاروس هشدار داد که زیاد به خورشید نزدیک نشود، اما دیگر خیلی دیر شده بود خورشید موم بالهای پسر را ذوب کرده و ایکاروس سقوط کرد.

در این اثر بروگل با استفاده از تخیل خود، دیدی سحرآمیز از تفکر خود به نمایش می‌گذارد، چشم‌انداز از بالاست، انگار خود بروگل هم در حال پرواز است، منظره ساحلی چنان وسیع به نظر می‌رسد که می‌توان قاره‌هایی را در آن سوی شهرهای سفید و صورتی رنگ دید». (مولیرگر، ۱۳۸۵، صفحه ۱۱۰ و ۱۱۱)

بروگل حتی در به نقش کشیدن صحنه‌های اجتماعی چون جشن‌ها و مراسم نیز سعی نمی‌کند که در بند واقع‌گرایی صرف باشد، او با استفاده از قدرت عجایب‌پرداز ناب خود سعی به تصویر کشیدن صحنه‌های به‌خصوص دارد و هیچگاه از طنز

اجتماعی و فکاهه غافل نمی‌شود. به عنوان مثال در اثر «بازی کودکان» (تصویر ۹) بروگل تنها قصد نداشت که یک تصویر واقعی از بازی بچه‌ها را به تصویر کشد بلکه او باز هم با استفاده از ذهن خیال‌پرداز خود صحنه‌ای با فیگورهای بی‌شمار آفرید، تمام پرسوناژها مشغول بازی هستند، بازی‌های



۱۰. معراج‌نامه، سلطان محمّد، جزئی از تصویر

نفر در دو سوی دنیا بدون آگاهی از وجود همدیگر تا به این حد به لحاظ کاری به هم نزدیک هستند. شرایط مشابه محیطی می‌تواند منجر به خلق آثار مشابه در مکانها و زمانهای گوناگون شود، به عنوان مثال سیستم‌های حکومتی و خصوصیات اجتماعی می‌توانند زمینه‌هایی را فراهم کنند که هنرمندان آثاری مشابه بیافرینند، این شباهت‌ها می‌تواند در ظاهر (فرم) و یا در مفهوم (محتوا) آثار هنری، به خصوص آثار تجسمی بارز شوند. حکومت‌هایی که در زمان بروگل و سلطان محمد بر سر کار بودند، براساس سیستم‌های پادشاهی اداره می‌شده‌اند و روند زندگی اجتماعی هم، به گونه‌ای بر اساس سیستم فئودالی (زمین‌داری) بوده که در نهایت شیوه ارباب-رعیتی را در پی داشته است. شاید این شرایط تا حدودی مشابه سیاسی- اجتماعی در تشابه آثار دو هنرمند مورد نظر، موثر بوده باشد.

به طور کلی وجوه اشتراک سلطان محمد و پیترو بروگل را با توجه به رویکرد خیال‌پردازانه و عجایب‌نگارانه این‌گونه بر می‌شماریم:



۱۱. سقوط فرشتگان یاغی، بروگل، جزئی از تصویر

۱- بارز بودن گرایشات مذهبی و عرفانی هر دو نقاش: سلطان محمد هنرمندی است، متعهد به اسلام و با توجه به اینکه در خدمت دستگاه حکومتی صفویه بوده، قطعاً گرایشات شیعی محکمی داشته است. در اثری همانند معراج پیامبر وجهه بارز این اعتقاد ملاحظه می‌شود. بروگل نیز به عنوان فردی مسیحی و کاتولیک، بسیار معتقد و پایبند به اصول اعتقادی خود است، در بعضی از آثارش مستقیماً معتقدات مذهبی را به تصویر می‌کشد؛ مانند اثر سقوط فرشتگان و در برخی دیگر از آثارش غیرمستقیم مفاهیمی مانند گناه، گمراهی، پرستش و از این دست را بیان می‌کند. همچنین گرایشات عرفانی در تفکر هر دو هنرمند، قابل بررسی است، هرچند قطعاً مفهوم عرفان در دنیای شرق و اسلام با مفهوم عرفان در دنیای غرب و مسیحیت متفاوت است، اما می‌توان در این بین تشابهاتی نیز در یافت.

در بسیاری از آثار سلطان محمد و بروگل مفهوم بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به دنیا مشاهده می‌شود، مثلاً در آثار هر دو هنرمند مجالس پایکوبی و دست‌افشانی دیده می‌شود که تلویحاً نشانه‌ای از بی‌اهمیت جلوه دادن دنیا و پای کوبیدن و شادی کردن در مقابل مظاهر مادی دنیایی است.

مختلف، گروهی و منفرد، تنها تخیل ناب نقاش به وی این اجازه را می‌دهد که این پرده عجیب را رقم بزند. با بررسی آثار بروگل می‌توان گفت که این رویکرد عجایب‌پردازانه در تمام آثار او کم و بیش هست. از آثار مهم دیگری که تنها با نام بردن از آنها اکتفا می‌کنیم می‌توان آثار معروف «کوری عساکش کور دگر»، «عروسی روستایی»، «رقص دهقانی» و «برج بابل» را یادآور شد. در تمام این آثار رویکرد تخیل‌انگیز، عجایب‌پردازانه و طنز و شوخی را می‌توان ملاحظه کرد.

نتیجه‌گیری

با نگاه به روند طرح شده در این بحث، به راحتی می‌توان وجه تشابه دو نقاش مورد نظر را شناسایی کرد. سلطان محمد تبریزی و پیترو بروگل دو نقاش هم عصر یکی در شرق و در ایران و دیگری در غرب و شمال اروپا، بعید است که این دو نقاش مطرح هم عصر حتی اسم همدیگر را شنیده باشند ولی امروزه ما به راحتی می‌توانیم این دو را به هم پیوند دهیم واز تشابه دیدگاه‌های آنها صحبت کنیم. به واقع به طور دقیق مشخص نیست که چگونه دو

این گرایش یکی از زمینه‌هایی است که به دو هنرمند انگیزه‌ی خلق تصاویری غیرزمینی و خیال‌پردازانه می‌دهد.

۲- **طنز و شوخ‌طبعی:** یکی از مشترکات جالب توجه که در برخی از آثار بروگل و سلطان محمد مشهود است، رویکردی همراه با شوخ‌طبعی، طنز و فکاهه است. بروگل در بسیاری از نقاشی‌های خود همانند کارهایی که با زمینه‌های اجتماعی انجام داده است و همچنین در تعدادی از گراورهای خود این روحیه‌ی شوخ‌طبعی را نمایان می‌کند. در آثاری مثل «عروسی روستایی»، «رقص دهقانی» و «سرزمین کوکاین» در زمینه نقاشی و «ماهی بزرگ ماهی‌های کوچک را می‌بلعد» در زمینه چاپ این دید طنزپرداز به وسیله‌ی بروگل نمود پیدا می‌کند. سلطان محمد نیز در بسیاری از نگاره‌های خود، به طنز و فکاهه علاقه نشان می‌دهد، مثلاً در به نقش کشیدن موجودات خیالی همچون دیوان، این نکته مشخص می‌شود، در این شخصیت‌ها معمولاً موجودی دوبا را که سری مانند حیوانات زشت دارد و دارای شاخ‌هایی بر سر و گوش‌های بزرگ و چشمانی سرشار از حماقت می‌باشد، نمایان می‌کند. نگاره‌های «کشتن طهمورث دیوان را» و «نبرد هوشنگ با دیو سیاه» را می‌توان در این مورد مثال زد. همچنین در نگاره‌ی «پیروزی باکوس»، سلطان محمد، شوخ‌طبعانه با شخصیت‌های انسانی آفریده‌ی خود بازی می‌کند، افرادی که در لباس‌های مختلف و با ظواهر رسمی، روحانی و دراویش مشغول پایکوبی، باده‌گساری و طرب هستند.

۳- **توجه به اسطوره‌ها و افسانه‌ها:** هر دو نقاش در برخی از آثار خود توجه خاصی به اسطوره‌ها و افسانه‌ها دارند، به خصوص این رویکرد با توجه به ادبیات بوده است. سلطان محمد در خیلی از نگاره‌هایی که بر اساس شاهنامه و داستانهای منظوم آن آفریده است، این نکته را نشان می‌دهد، مثلاً نگاره‌ی «بارگاه کیومرث» کاملاً بر اساس یک اسطوره به تصویر درآمده است. همچنین پیتر بروگل نیز در چندین اثر نقاشی و چاپ خود، به افسانه‌ها و اسطوره‌ها توجه نشان می‌دهد. مثلاً اثر «سقوط ایکاروس» براساس یک داستان افسانه‌ای یونانی است و یا در تابلوی «سرزمین کوکاین» کاملاً یک سرزمین افسانه‌ای دیده می‌شود و در اثر معروف «برج بابل» این

گرایش را می‌توان ملاحظه کرد.

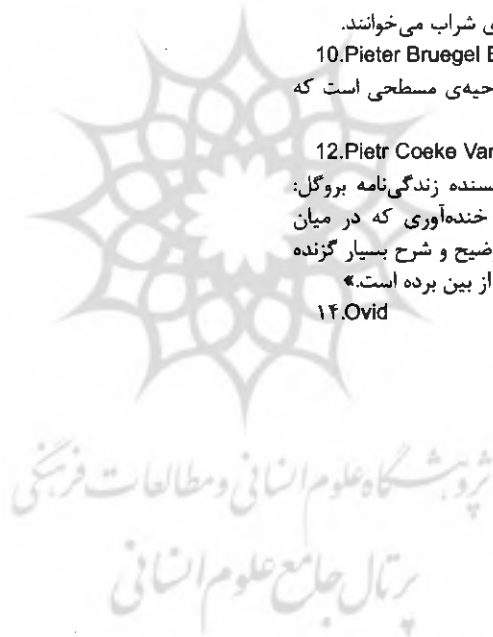
۴- **تسلط به مینیاتور:** یکی از وجوه تشابه جالب توجه هر دو هنرمند، تسلط به نقاشی‌های کوچک یا اصطلاحاً مینیاتور است. همانطور هم که در متن بدان اشاره شد، بروگل در جریان سفر خود به سویس، ایتالیا و فرانسه راه و روش کشیدن نقاشی‌های کوچک را فراگرفت و به این ترتیب مناظری از کوهستان آلپ و چشم‌اندازهایی با شخصیت‌های پرشمار را در مقیاسی کوچک مصور کرد. سلطان محمد نیز با توجه به اینکه در زمینه نگارگری ایرانی فعالیت می‌کرده و نگارگری در ایران هنری در خدمت کتاب‌آرایی بوده، متخصص در کشیدن نقاشی‌هایی به اندازه یک صفحه کتاب بوده است. یکی از دلایل شباهت آثار دو هنرمند نیز تسلط به خلق این نوع نقاشی‌هاست که در نهایت باعث شباهت در ترکیب‌بندی‌ها و خلق فضاهای خیالی شده است. بروگل بعدها که آثار رنگی بزرگ را می‌آفرید، از تجربیات خود در زمینه مینیاتور بسیار استفاده کرد.

اینها نمونه‌هایی از مهمترین مشترکات آثار پیتر بروگل و سلطان محمد هستند که علاوه بر منجر شدن به شباهت فرمی و محتوایی کارهای آن دو، بیشترین تأثیر را نیز در خلق آثار عجایب‌نگارانه و خیال‌پردازانه‌شان داشته‌اند که تا حدودی در این صفحات محدود بررسی شد. در بررسی آثار دو هنرمند سعی شد که هم بررسی فرمی و هم بررسی محتوایی به عمل آید و مقایسه آثار براساس موازین علمی-هنری صورت بگیرد و توازن و تعادل کمی و کیفی به نسبت هر دوی آنها رعایت شود. البته لازم است به این نکته نیز اشاره شود که در این مقاله سعی شد، مشترکات و تشابهات دو هنرمند اثبات شود، بدیهی است که به تفارق و اختلافات مهمی نیز در تفکر و آثارشان می‌توان اشاره کرد.

در کل مقایسه آثار هنرمندان مختلف، متعلق به هر زمان و مکانی که باشند در دنیای حاضر باعث وسعت دید هنرمندان و هنرپژوهان می‌شود و پژوهشگر در این بین وظیفه دارد که با دیدی علمی و دقیق دست به مقایسه و تطبیق بزند. به ویژه در زمینه هنرهای تجسمی مقایسه‌های فرمی و محتوایی می‌تواند به غنای فرهنگ مطالعات بصری کمک کند.

پی‌نوشت:

- ۱- آژند، یعقوب، هنر نگارگری ایران، تهران: مولی، ۱۳۷۶
- ۲- آژند، همایش سلطان محمد، ۱۳۸۳
- ۳- پاکباز، رویین، دایرة المعارف هنر، تهران: فرهنگ معاصر، چاپ پنجم ۱۳۸۵
- ۴- پاکباز، رویین، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، تهران: زرین و سیمین، ۱۳۸۴
- ۵- جنسن، هورس ولدمار، تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم ۱۳۷۹
- ۶- خسروی نوری، بهزاد، گرتسک در سینمای انیمیشن، استاد راهنما اکبر عالمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳
- ۷- گاردنر، هلن، هنردرگذر زمان، ترجمه محمد تقی فرامرزی، تهران: آگاه، ۱۳۶۵
- ۸- مولبرگر، ریچارد، بروگل چگونه بروگل شد، ترجمه مؤگان رضایا، تهران: نشر نی، ۱۳۸۵
1. Grottesque
2. Gargoyle
۳. Daumier. (۱۸۰۸-۱۸۷۹) نقاش، طراح، کاریکاتوریست و پیکره‌ساز فرانسوی.
۴. Goya. (۱۷۴۶-۱۸۲۸) نقاش اسپانیایی که با رویکردی آزادی‌خواه و مترقی آثار ارزشمندی به وجود آورده است.
۵. Bosch. (۱۴۵۰-۱۵۱۶) نقاش فلاندری که به کشیدن تصاویر عجیب و غریب مشهور است.
۶. براق: نام مرکبی است که پیامبر را به هنگام معراج بر پشت خود حمل می‌کرده و معمولاً در نگاره‌ها ترکیبی از فرشته و حیوانی چهار پا است.
۷. دوست محمد: موزخ، مذهب، خوشنویس و نگارگر عصر صفوی است که بارها قدرت و توانایی سلطان محمد را در نوشته‌هایش ستوده است.
۸. Cartier. نام حافظ کارتیه، مربوط به صاحب اروپایی آن به همین نام (کارتیه) است.
۹. باکوس: الهه یونانی است که آن را خدای شراب می‌خوانند.
10. Pieter Bruegel Elder
11. Netherland. زمین‌های پست، نام ناحیه‌ی مسطحی است که شامل هلند امروزی است.
12. Pieter Coecke Van Alost
۱۳. کارل وان ماندر (۱۵۴۸-۱۶۰۶م)، نویسنده زندگی‌نامه بروگل: «بسیاری از تابلوهای عجیب و موضوعات خنده‌آوری که در میان گراورهای مسی او به چشم می‌خوردند، با توضیح و شرح بسیار گزنده و تند همراه بودند که همه آنها را سوزانده و از بین برده است.»
۱۴. Ovid



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی